



● پیروزی بزرگ

ملاقات کردم. در آن دیدار او به من گفت: «بیا برویم اتاق بغل، می‌خواهم چیزهای جالبی را نشانت دهم.» وارد اتاق که شدیم، چیزهایی دیدیم که برایم باور نکردنی بود. تجهیزات و برنامه‌هایی که حاج عماد برای جنگ احتمالی با رژیم صهیونیستی آماده کرده بود، قابل تصور نبودند. او برای من توضیحات مفصلی درباره وضعیت و میزان آمادگی برای مقابله با حملات اسرائیل داد. این که چه تاکتیکی در نظر گرفته‌اند و چه سلاحی آماده کرده‌اند. عماد برای من تشریح کرد که تانک مرکاوا چقدر ضخامت دارد، به آربی‌جی هفت جواب نمی‌دهد و باید موشک کورنت به آن زد. از هواپیماها و نوع آن‌ها گفت. بعد رفت سراغ بحث تشکیلاتی و گفت که چه چیزی آماده کرده و مو به مو برام توضیح داد. تا جایی که من گفتم: «الله اکبر! دیگر بس است!» آن‌جا بود که فهمیدم که اگر جنگی رخ دهد، یک جنگ معمولی نیست. از عماد تقدیر کردم و گفتم: «مطمئناً اگر جنگی بشود، شما پیروزی می‌شوید.» این، بهترین ملاقات و دیدارم با او قبل از جنگ بود. (انیس‌ناش)

در ساعت ۹:۵ دقیقه صبح ۱۲ ژوئیه ۲۰۰۶ (۲۲

مسئله این بود که حزب‌الله به مردم لبنان متعهد شده بود که جوانان زندانی و اسیر لبنانی را از چنگال رژیم صهیونیستی آزاد بکند. مردم لبنان اعم از آن اسرائیلی که دروزی بودند یا اسرائیلی که مسلمان یا مسیحی بودند، امید و پناهگاهی جز حزب‌الله نداشتند، امروز هم ندارند. حزب‌الله راهی نداشت جز این که یک اقدامی بکند تا بتواند در اثر آن، یک تبادل را انجام بدهد؛ کما این که رژیم صهیونیستی اصلاً دیپلماسی نمی‌فهمد. زبان او با همه اطراف، زبان زوراست و غیر از زبان قدرت در مقابل خودش زبان دیگری را خیلی متوجه نیست. در تبادلات قبلی، حزب‌الله این وعده را داد که اسرا را آزاد کند؛ اما در آن تبادل اولیه که انجام گرفت، این هدف محقق نشد یا اسرائیل قبول نکرد این زندانی‌ها را آزاد بکند. لذا حزب‌الله برای تحقق این وعده خود به مردم لبنان، اقدام عملیاتی انجام داد که در اثر این عملیات، بتواند آن تبادل را انجام بدهد؛ و این تنها راه ممکن بود. (حاج قاسم سلیمانی)

قبل از جنگ ۳۳ روزه عماد در اتاق عملیات